

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

جلوه‌های ادبیات مقاومت در شعر آمال زهاوی* (علمی- پژوهشی)

دکتر رضا افخمی عقدا
دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه یزد
محسن غلامحسین کهوری
کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان

چکیده

تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... در نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم که در کشور عراق به وقوع پیوست؛ ادیبان این خطه را بر آن داشت تا گوشه ای از این تحولات را در آثار خویش به نمایش بگذارند. «آمال زهاوی»، یکی از این ادیبان متعهد و از چهره های درخشان ادبیات معاصر کشور عراق در قرن کنونی است که اصل و نسب وی، ریشه در خاک ایران دارد. وی با خلق آثار ارزشمندی در زمینه ادب پایداری، روح امید و مقاومت را در کالبد جامعه خود دمید تا مخاطبین وی، واقعیت‌های جامعه عراق را درک کنند. رنگ باختن و یا از بین رفتن فرهنگ عربی- اسلامی در کشور عراق، عدم آشنایی نسل امروز از این ارزش‌ها برای رستن از وضعیت نابه‌سامان جاری، ایجاد بارقه امید در هموطنان خود، پاسداری از پیروزی‌های به دست آمده، دعوت به مقاومت برای رسیدن به اهداف متعالی و آرمان‌های انسانی، مقایسه وضعیت کنونی کشور عراق با گذشته، آگاهی بخشیدن به نسل امروز و آینده از حوادث مختلف در کشور عراق و دیگر کشورهای عربی، از جمله دلایلی است که این شاعر دردمند را بر آن داشته تا آثار خویش را در این نوع ادبی به نگارش در آورد.

واژه‌های کلیدی: آمال الزهاوی، شاعر ایرانی - عراقی، جلوه‌های ادبیات

مقاومت.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۳/۳
rezaafkhami55@yahoo.com
m.kahory67@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۸
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

«ادبیات مقاومت، به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، با زبانی هنری (ادیبانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان - به نگارش «تاریخ» آن می‌پردازند» (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰). ادبیات مقاومت، زمانی مفهوم پیدا می‌کند که پای توده مردم، اجتماع و ملت‌ها در میان باشد. می‌توان گفت ادبیات مقاومت در شرایطی چون استبداد داخلی یا خارجی، حمله و هجوم بیگانگان، اشغال سرزمین به وسیله دولتی بیدادگر، سربرمی آورد و مردم را به مبارزه در برابر ظلم و دفاع در برابر هجوم، ترغیب می‌کند.

رایج ترین نوع ادبیات مقاومت، شعر است. شعر مقاومت از ویژگی‌هایی برخوردار است که می‌توان مهم‌ترین آنها را چنین برشمرد:

«۱- شعری پیشرو و پیشتاز تحولات جامعه ۲- شعر توده هاست ۳- داشتن چهره ای خشن و جنگ طلب در ظاهر ۴- بهره‌مند از نماد، رمز و استعاره ۵- داشتن نگاهی جزئی نگر و ریزین نسبت به پدیده‌ها ۶- ستایش شهیدان و جان باختگان ۷- شعری محرک و پویا و منتقد نسبت به وضعیت ناهنجار کنونی ۸- فراتر از زمان و مکان خاص ۹- القاء کننده امید به آینده، پیروزی موعود و دعوت کننده به مبارزه همگانی در برابر بیداد» (محمدی روزبهانی، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۹).

امروزه ادب پایداری و شعر مقاومت که یکی از مهم‌ترین بخش‌های ادبی، فرهنگی، و تاریخی هر ملتی را تشکیل می‌دهد، در کشورهای عربی؛ به ویژه در فلسطین و عراق، نقش بسیار برجسته‌ای را ایفا می‌کند. ظهور این نوع ادبی در این کشورها، به ویژه در قرن بیستم، با جریان اشغال بسیار اهمیت پیدا کرده است. بدون شک کشور عراق یکی از کشورهایی است که در نقطه مرکزی این دایره قرار می‌گیرد. این کشور از زمان استیلای مغول در سال ۶۵۶ هـ تا به امروز با چالش‌های بسیاری از جمله: سلطه عثمانی‌ها، حاکمیت استعمار بریتانیا، حکومت دیکتاتوری صدام، جنگ علیه ایران، جنگ علیه کویت، اشغال آن به وسیله ارتش آمریکا و هم پیمانانش در سال ۲۰۰۳ م و ... رو به رو بوده است.

بدون شک قربانیان این حوادث، بیشتر زنان و کودکانی بودند که نه تنها این وضعیت ناگوار را در زمان حکومت دیکتاتوری صدام چشیده‌اند؛ بلکه بار سنگین اشغال، تا به امروز شانه‌آنان را در هم شکسته و آنان را سخت ناتوان کرده است. «شرایط زنان عراقی نه تنها بهتر نشده؛ بلکه وضعیت آنها بسیار دشوارتر و ناامن‌تر از قبل شده. آنچه که امروزه در عراق شاهدیم، وضعیت ناامنی است که اصلاً قابل مقایسه با رژیم صدام حسین یا حتی ماه‌های اول بعد از سقوط رژیم وی نیست و انگار این جنگ، جنگ علیه زنان عراقی بود» (اعلم، ۱۳۸۵: ۷).

اشغال عراق و حوادث پس از آن، تأثیر شدیدی از نظر روحی و عاطفی بر روی زنان این خطه؛ به‌ویژه زنان شاعر و ادیب گذاشت؛ به طوری که برخی از آنها به انزوا گراییدند و عده‌ای دیگر مانند وفاء عبدالرزاق^۲، سهام جبّار^۳ و ...، در کشورهای مختلف به دور از وطن زندگی را به سر می‌برند و گروهی دیگر نیز، مانند بشری البستانی^۴، آمال الزهاوی و ... با وضعیت موجود، پا به پای مردان و در بعضی مواقع با نام‌های مستعار ادبی در مقابل استبداد، مقاومت می‌کنند. این زنان همواره، وظیفه خود را در برهه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تاریخی؛ به عنوان رکنی از ارکان اصلی جامعه نشان داده‌اند. بدون شک اگر نقش زنان ادیب معاصر کشور عراق در این عرصه بیشتر از مردان نباشد، همسنگ و همپای آنهاست. حضور گسترده آنان در مسائل سرنوشت ساز مختلف جامعه و مشارکت آنها در این امور مهم قابل ملاحظه است و مسائلی از این قبیل در آثار آنها متبلور می‌شود.

خطه عراق، تاکنون زنان ادیب بسیاری را در آغوش خود پرورده است که شهرت ادبی بعضی از آنها در کشور ما بسیار کمرنگ است؛ مانند: «سهام جبّار، آمال الزهاوی، بشری البستانی، حیاة النهر، زهور دکسن، ساجدة الموسوی، عاتكة الخزرجی، لمیعة عباس عمارة، سهام الناصر، حیاة جاسم محمد، ریم قیس کبة، میّ مظفر، وفاء عبد الرزاق، ماجدة سلمان محمد و...» (معجم الباطین للشعراء العرب المعاصرین، ۱۹۹۵: ج ۱ تا ج ۸).

آمال زهاوی، یکی از زنان ادیب، متعهد، برجسته و صاحب نظر در عراق است که تصویری از روزگار خویش را در اشعار خود منعکس کرده و در پیش بردن ادبیات زنان این کشور نقش بسیار فعالی داشته است. وی در توصیف اشعار

انقلابی خود اینچنین بیان می‌کند: «در سرتاسر تجربه شعری خود، من لحظه‌ای هم در انتشار چیزی که می‌نویسم تردید نکرده‌ام و تا زمانی که به آنچه می‌نویسم اعتقاد داشته باشم، از انتشار آن بیم ندارم» (سرسم، ۲۰۱۰: www.mawtani.com).

۱-۱- بیان مسئله

با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳م به وسیله آمریکا و هم پیمانان او، کشور عراق وارد مرحله جدیدی از حوادث شد؛ زیرا این حوادث باعث به غارت رفتن ثروت ملی و همچنین افزایش ناامنی، ترس، کشتار و... در عراق شد. این وقایع، تأثیر شگرفی بر روحیه طبقه روشنفکر عراق؛ به ویژه طبقه شاعران گذاشت؛ بنابراین آثار این طبقه بیشتر صبغه پایداری و انتقادی و اعتراضی به خود گرفت. آمال زهاوی، شاعر مقاومت عراق، هم سو با پیامدهای ناگوار اشغال، به سرایش شعر پایداری پرداخت. پژوهش حاضر بر آن است تا وجوه بارز و متمایز شعر مقاومت عراق را با تکیه بر چند دفتر شعری از «آمال زهاوی» و همچنین دلایل روی آوری این شاعر متعهد به شعر مقاومت و به خدمت گرفتن آثار ادبی خویش در این نوع ادبی را تحلیل و بررسی کند.

۱-۲- پیشینه پژوهش

«آثار شعری آمال زهاوی در جهان عرب به شهرت بسزا رسیده و تعدادی از آنها به زبان‌های دیگر نیز ترجمه شده است» (عیید، ۲۰۰۲: ۲۰۰). پژوهشگران معاصر عراق و عرب، به بررسی آثار وی در زمینه‌های مختلف از جمله نقد، تحلیل، و... پرداخته‌اند که می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

ملاح الأنتی فی شعر آمال الزهاوی به قلم: دکتر بشری البستانی (۲۰۱۲م)، آمال الزهاوی الشاعرة الرمزية: عیسی فتوح (۲۰۰۷م)، الامبراطورة آمال الزهاوی: جواد الحطاب (۲۰۱۱م)، بعض النتاج الشعری النسوی فی العراق منذ اطلالة القرن العشرين: علوان السلیمان (۲۰۱۱م)، آمال الزهاوی شاعرة صدمتها حرب العراق: ماجد السامرایی (۲۰۰۹م)، المعذب فی الشعر العراقي: لؤی شهاب العانی (۲۰۰۵م)، معجم الشعراء الناظمین فی الحسین(ع): محمد صادق الکرباسی (۱۹۹۹م)، الامام علی(ع) فی مواكب الشعر والشعراء: حیب کشاورز (۱۳۸۹ش)، تاریخ الأسرة

الزهاویة ومكانتها بين المجتمع البغدادي والعراقي والاسلامي: جميل الزبيدي
نویسنده عراقی (۲۰۱۱م).

تاکنون در ایران کار پژوهشی پیرامون آثار این شاعر، اعم از مقاله، کتاب،
پایان نامه انجام نشده است؛ از این رو، این جستار که بضاعتی مزجات بیش نیست،
اولین تحقیق در مورد شعر آمال زهاوی به شمار می آید و امید است که این
پژوهش، زمینه ساز پژوهش‌های مؤثرتر واقع شود.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

نگارندگان با مشاهده فهرستی از پژوهش‌ها که در زمینه ادبیات پایداری
نگاشته شده، دریافتند که اکثر این تحقیقات مربوط به سرزمین فلسطین می‌باشد.
ما در این گفتار در پی نفی نقش فلسطین نیستیم؛ اما مشکلات کنونی که برای
مردم کشور عراق پیش آمده، کمتر از مسائل فلسطینی نیست؛ از این رو این
تحقیق، این انگیزه را برای صاحبان قلم در زمینه ادبیات پایداری ایجاد می‌کند که
جای برای تحقیق در زمینه شعر شاعران زن کشور عراق بسیار باز است و زنان
شاعری هستند که آنطور می‌بایست حق آنها در زمینه ادبیات پایداری به جای
آورده نشده و شهرت ادبی آنها در کشور ما بسیار گمنام است؛ از طرف دیگر،
آمال زهاوی شاعر زنده‌ای است که این مسائل را روزانه با چشم باز رصد می‌کند
و با برخورداری از احساسات صادقانه همراه با آموزه‌های قرآنی، آثار بی‌نظیری
در زمینه شعر مقاومت از خود به یادگار می‌گذارد؛ به همین دلیل بر آن شدیم
اشعار وی را از این حیث مورد بررسی قرار دهیم و به کشف جلوه‌های ادبیات
پایداری در شعر وی پردازیم.

۲- بحث

۲-۱- زندگینامه آمال زهاوی و آثار ادبی وی

آمال، فرزند عبدالقادر در سال (۱۳۶۵ه/۱۹۴۶م) در بغداد در خانواده‌ای که
بیشتر افراد آن اهل علم هستند، پرورش یافت. آمال، از جمله شخصیت‌های
ایرانی-عراقی است که نسب نیاکان وی به خاک ایران می‌رسد؛ اما خود او در
محیط کشور عراق متولد و پرورش یافته است. «نسبت وی به احمد بابان الزهاوی

منتسب به شهر زهاو، از توابع استان کرمانشاه ایران می‌رسد» (الخیاط، ۱۹۷۰: ۳۷). «جمیل صدقی زهاوی، شاعر بزرگ معاصر عرب، عموی پدر آمال و أمجد زهاوی شاعر معاصر عراق، عموی خود آمال محسوب می‌شود» (المطبعی، ۱۹۹۵: ۲۱)؛ از این‌رو، زهاوی در محیطی پرورش یافت که شعر با اکثر آنها آفریده شده و موهبت شعری در درون آنها فطری است؛ چنانچه خود می‌گوید: «سخن از شعر روزانه پیرامون من جاری است و کتاب‌های زیادی به خصوص کتاب‌های شعر، در کتابخانه‌های خانواده‌ام وجود دارد. من شعر می‌خواندم؛ در حالی که داشتم حروف ابجد را تهجی می‌کردم» (محمد الکرباسی، ۱۹۹۹: ۶۴).

«آمال، تحصیلات خود را تا دبیرستان در یکی از مدارس شهرک اعظمیه بغداد به پایان رساند و بعد از آن وارد دانشگاه بغداد در رشته زبان و ادبیات عرب شد» (فتوح، ۲۰۰۷: www.albaath.news.sy). او بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه، در مجلات و روزنامه‌های مختلف ادبی عراق و سوریه از جمله: الطلیعة، البعث، الشعب العراقي، و مجله الف باء که وی یکی از مؤسسان آن بوده، مشغول به کار شد. سپس شرکت عشتار «للطباعة والنشر» را در بغداد تأسیس کرد و توانست بعضی از مؤلفات و آثار ارزشمند خود را در این زمان به چاپ برساند. «آمال، سرودن شعر را از زمان نوجوانی (در سن سیزده سالگی) آغاز نمود. زهاوی، در ابتدا شعر را در قالب عروضی می‌سرایید و سپس به شعر نوری آورد، و حال آنکه از کلمات جبران خلیل جبران و جبرا ابراهیم جبرا بسیار تأثیر می‌پذیرد» (محمد الکرباسی، ۱۹۹۹: ۶۴). این ادیب معاصر کشور عراق، در طول زندگی علمی خود به تألیف آثار متعددی در زمینه نظم و نثر دست زده است؛ از جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد:

الفدایی والوحش - ۱۹۶۹م، الطارقون بحارالموت - ۱۹۷۰م، دائرة فی الضوء - دائرة فی الظلمة - ۱۹۷۵م، التداعیات - ۱۹۸۲م، یقول قس بن ساعدة - ۱۹۸۶م، إخوة یوسف - ۱۹۷۹م، الشتات - ۲۰۰۰م، آبار النعمة - ۲۰۰۹م، نجمة سومریة - ۲۰۰۹م.

زهاوی دارای تعدادی مجموعه شعری دیگر است که هنوز به چاپ نرسیده‌اند؛ از جمله: من فیوضات آمال الزهاوی، تباریح بنی عذرة، أزهار اللوتس و همچنین

دارای تعدادی داستان کوتاه و مقاله و تحلیل شعری می باشد که در مجله‌های مختلفی عربی به چاپ رسیده است.

۲-۲- جلوه‌های پایداری در شعر آمال زهاوی

از دغدغه‌های اصلی زهاوی که امروزه بسیار از آن رنج می برد و در اشعار وی پیوسته به چشم می خورد، از بین رفتن شکوه و عظمت گذشته تمدن عراق است. فروپاشی گذشته درخشان عراق در روزگار کنونی، امری است که منجر به از بین رفتن فرهنگ اصیل اسلامی کشور عراق، غفلت مردم از سرنوشت خود، عقب ماندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بی عدالتی، درگیری، نفاق، ریا، شده است؛ تا جایی که دروغ، شعار و حرف بر مسند راستی، حقیقت و عمل تکیه زده اند و خود را به گونه‌های مختلف می آریند تا روز به روز، زرق و برق آنها بیشتر شود:

«فی هذا العصر المقلوب، اشتبکت فینا الاسماء/ أی الألوآن ستلبسها الحریاء/ تنتفخ الكذبة حتى تغدو جسدًا ورقیًا/ ویكون لها صوتٌ ونداء» (الزهاوی، ۱۹۸۲: ۵۸).

ترجمه ابیات: در این عهد وارونه/ نام‌ها در بین ما به هم آمیخته شده‌اند/ کدام رنگ‌ها را آفتاب پرست (نماد انسان‌های چند شخصیتی) بر تن خواهد کرد/ دروغ گسترش می‌یابد تا اینکه به پیکری دلریا مبدل می‌شود و حال آنکه این دروغ، طبلی تو خالی است.

مهم‌ترین شناسه شعر آمال زهاوی، عنصر تعهد است. زهاوی در این دوران خود را چون مشعلی، منبع نور برای هدایت مردم و وطنش می داند که تلاش می کند آنها را از وحشت تاریکی شب و گم شدن در راه نجات دهد. او با خطر حوادثی که سعی در نابود کردن او و آن مشعل فروزان دارند، آشنایی کامل دارد و هرگز در برابر آن سر به زانو نمی‌آورد و راه جنبش، پویایی و مقاومت را در پیش گرفته که رهرو این راه با تمام مصیبت‌ها خو گرفته است؛ زیرا که راه مبارزه، راهی است که هر قدم آن با حوادث جدید روبه‌رو است و گویا این بلاها همیشه انسان مبارز را همدم خود می‌دانند:

«أنا هاجسُ النور فی الظلمات/ تذکرتُ لم تستکن الریح بجسمی/ ولم أستکن بها/ طریقى التوئب/ أنا بنتٌ هدی العواصف أدمنتُ كلَّ العذابات/ أم أنها أدمنتنی؟» (همان: ۲۵).

ترجمه ایات: من اندیشه‌ی روشنایی در تیرگی هام/ به یاد آوردم که بادهای در تن من پناه نجستند و من هم در تن بادهای پناه نجستم / شیوه‌ی من، جست و خیر کردن است / آیا من فرزند این تند بادها نیستم که با همه‌ی سختی‌ها خو گرفتم یا آنها با من خو گرفته‌اند؟

اینک به بررسی مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات مقاومت در اشعار آمل زهاوی می‌پردازیم. شایان ذکر است جلوه‌های مقاومت در شعر این شاعر، شامل عناوین زیر است:

۲-۲-۱- دعوت به قیام و پایداری

«دعوت به قیام، ایستادگی و ایثار و تداوم مبارزه، روح ادب پایداری است. آثاری که دارای این ویژگی باشند به رجز نزدیک می‌شوند» (سنگری، ۱۳۸۹: ۶۵). به بیان دیگر، می‌توان دعوت به پایداری را یکی از پایه‌های ثابت و عنصر برانگیزنده‌ی شعر مقاومت برشمرد. روحیه‌ی استعمار ستیزی آمل زهاوی و خصلت ظلم ستیزی وی با جریان‌های ضد آزادی و مقاومت، پیوسته در خلال چکامه‌های انقلابی‌اش خروشان و برجسته است. وی در شعر «الرياح الأربع للمعركة» با ملت خود با بیانی سرشار از ترغیب، اینگونه سخن می‌گوید:

«يا شعبي في قلب رياح / البارود الأربع / قاوم كل جراد الأرض / ولا تر كع / ستظل ترفرف قمصان الدم» (الزهاوی، ۱۹۷۰: ۱۴).

ترجمه‌ی ایات: ای ملت من در قلب بادهای چهارگانه باروت (شدت) / در برابر همه‌ی ملخ‌های زمین پایداری کن / و هرگز سر به زانو نیار (تسلیم نشو) / که به زودی پیراهن‌های خونین به اهتزاز در خواهد آمد. (اشاره به انتقام)

زهاوی، ملت خود را به پایداری علیه ستمگران فرا می‌خواند و آنها را به اتحاد، تشویق می‌کند. وی از آنها می‌خواهد که هرگز تسلیم دشمن نشوند؛ به عبارت دیگر، شاعر پیروزی را در اتحاد و زیر بار نرفتن ظلم می‌بیند. ایات بالا که تصویری بر گرفته از قرآن^۵ کریم است، تداعی‌گر این اندیشه است که مستبدان، همیشه در طول تاریخ در پی چپاول کشورهای ضعیف بوده‌اند. این مضمون در اشعار دیگر شاعران عراق نیز، به طور واضح‌تر به چشم می‌خورد؛ چنانچه یحیی السماوی^۶ شاعر مقاومت معاصر عراق، استکبار را در قطعه‌ی زیر چنین به تصویر می‌کشد:

«كُلُّ الْجَرَادِ الْبَشْرَى الْآنَ فِي بَغْدَادٍ / فَيَا جِياعَ الرَّافِدِينَ إِتَّحِدُوا / وَنَظَّفُوا الْحَقْلَ
مِنَ الْجَرَادِ / كَيْ لَا يَجُوعَ فِي الْغَدِ الْأَبْنَاءُ وَالْأَحْفَادُ» (السمّاء، ۲۰۰۶: ۱۰۷).

ترجمه اییات: تمام ملخ های بشری اکنون در بغداد هستند/ پس ای گرسنگان
سرزمین عراق با هم متحد شوید/ و مزرعه عراق را از ملخ ها پاکسازی کنید/ تا
فردا نسل شما گرسنه نماند.

آمال زهاوی، مقاومت را نعمتی می داند که باعث سرفرازی ملت ها می شود؛
زیرا مقاومت، عنصری است که در بطن خود، نیروی خارق العاده رعد و برق و
گدازه های آتشین را می آفریند. و ملتی که چون آتشفشان است، با مقاومت می تواند
تمام موانع مستحکم دشمن را در هم بشکند:

«يَا شَعْباً يُؤَلِّدُ مِنْ قُبُلَاتِ الصَّاعِقَةِ / وَمِنْ أَفْوَاهِ الْبُرْكَانِ / انْحَتِ أَجْرَاسَكَ مِنْ
أَضْلَاعِ الزَّلَازِلِ / وَاضْرِبِ بِاللَّحْمِ وَالْعَظْمِ، وَبِالْبَرْقِ وَبِالرَّعْدِ / إِضْرِبْ كُلَّ حَدِيدِ
الْمُحْتَلِّ» (الزهاوی، ۱۹۷۰: ۱۴).

ترجمه اییات: ای ملتی که از بوسه های آذرخش و دهانه های آتشفشان متولد
می شوی/ با گوشت و استخوان و تندر و آذرخش بزن (از تمام وجود)/ و با تمام
وجود با ابزارهای دشمن اشغالگر پایداری کن.

هر ملتی که در مقابل استبداد مقاوم باشد، بدون شک به گل های سرخ فام
پیروزی دست می یابد. گلبن هایی که در کنار زبانه های آتش می روید و مردان
مقاوم با گذشتن از مرز آتش، آن دسته های زیبای گل را می چینند و در زیر پرچم
پیروزی که در حال اهتزاز است، جمع می شوند؛ پرچمی که تار و پود آن از
مقاومت، صبر و پشتکار است و چون گردبادی شدید، طومار زندگی ستم و
استکبار را در هم می پیچد:

«وَأَقْطَفُ مِنْ جُرْحِكَ أَزْهَارَ النَّصْرِ / مَا أُرْوَعُ أَنْ نَقْطِفَ بَاقَةَ وَرْدٍ / مِنْ أَلْسُنَةِ نَارٍ /
مَا أَجْمَلْنَا حِينَ نُنْعَى يَوْمًا / تَحْتَ الرِّايَاتِ الْمَفْرُودَةِ لِلْأَعْصَارِ» (همان: ۱۵).

ترجمه اییات: و از زخم هایت گل های پیروزی را بچین / چیدن دسته های
گل از زبانه های آتش (ابزار آلات جنگی) چه قدر برای ما زیبنده تر است
(آزادی)/ چه قدر برای ما زیباست، روزی در زیر پرچم ها که به خاطر طوفان ها
بر افراشته شده است سرود آزادی را سر بدهیم.

در قطعه پایانی قصیده «الرياح الأربع للمعركة» نیز، همان طور که مشاهده کردیم، وی اتحاد و تلاش در راه وطن را با بهره‌گیری از آیه ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (شرح: ۶) وصف می‌کند.

۲-۲-۲- امید به آینده و پیروزی موعود

«در ادبیات پایداری همه ملت‌ها، نوید و امید به پیروزی همواره هست؛ اما در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان دینی با بهره‌گیری از وعده الهی، امید به فتح مطرح می‌شود.» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۵)

زهاوی در اشعار خود ضمن دعوت به مقاومت، همواره اندیشه‌القای امید به آینده در روح ملت خویش را در سر می‌پروراند. وی می‌کوشد با نوید شکست بی‌تردید ستم و پیروزی حقیقت و عدالت، بارقه امید را در قلب‌ها روشن نگاه دارد. بدون شک مسلمان بودن هم میهنان شاعر، عنصر مهمی است که امید به پیروزی را در اندیشه او تقویت می‌کند. از نگاه شاعر، هر چند که مسلمانان به ظاهر در مقابل استکبار، ابزار جنگی ندارند؛ اما اعتقاد قلبی راسخ آنها به فزونی دنیا و بقای آخرت باعث شده، هر کدام از آنها به قهرمانانی سلحشور تبدیل گردند که در سراسر دنیا، جرئت آن را دارند با دشمن تا دندان مسلح به مقابله برخیزند:

«إِنَّ كَان لَأَمْرِيكَ اللَّهُبُ الْمَسْنُونُ / فَلَنَا أَيْضاً الْحَجَرُ الْمَكْنُونُ / مِنْ مِرَاكَشٍ حَتَّى أَرْضِ الصَّيْنِ / وَلَنَا مِنْ مَدَدِ الْإِسْلَامِ الْعَوْنُ» (الزهاوی، ۲۰۰۹ الف: ۸۵).

ترجمه اییات: اگر آمریکا از ابزارهای پیشرفته برخوردار است / ما نیز مردانی مبارز ناشناخته (اصحاب انتفاضه) / از سرزمین مراکش تا سرزمین چین (سرتاسر دنیا) داریم / و قدرت ما نشئت گرفته از قدرت اسلام است.

آیات قرآن، یکی از معیارهای مقاومت و سرمشق بسیاری از اشعار انقلابی آمال زهاوی به‌شمار می‌آیند. وی همواره سعی می‌کند با بهره‌گیری از آیات قرآن، امید را در دل‌های ملت خویش بیشتر جای دهد؛ چنانچه در ادامه قصیده «مواجهة» اینچنین می‌سراید:

«وَسَعَى / لِلْقَاءِ النَّارِ بِقَلْبٍ مُمْتِنٍ / لِتَكُونَ لَنَا بَرْدًا وَسَلَامَةً / وَلَنَا فِي السَّعَى عِلَامَةً»

(همان: ۸۶).

ترجمه ابیات: برای دیدار آتش با قلبی سراسر ایمان می شتایم/ تا برای ما سرد و مایه سلامتی باشد/ و مهر سعی و تلاش بر پیشانی ما زده شده است. این جملات ما را به یاد رویارویی حضرت ابراهیم با آتش نمود می اندازد، ﴿فَلَمَّا يَأْتِ الْكُوفِيَّ بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ﴾ (انبیاء: ۶۹). این پیامبر در دیده آمال زهاوی، الگوی مناسبی برای پایداری ملت خویش در برابر نمودیان معاصر است؛ به گونه ای که می توان مقاومت حضرت ابراهیم در مقابل نمود را سرمشق این شاعر برای ادامه مقاومت و امید به پیروزی در برابر اشغالگران دانست و این تأثیر از مقاومت حضرت ابراهیم در جای جای اشعار انقلابی وی دیده می شود.

زهاوی، آرامش درون را که محصول ایمان، امید، بلند همتی و... است، بر آسایش تن ترجیح می دهد؛ زیرا انسان تن پرور در مقابل سختی ها مقاومتی از خود نشان نمی دهد و به دام اندیشه کسانی که لوازم آسایش او را تهیه می کنند، می افتد؛ اما انسان های دیگری هستند که از آسایش و رفاهی که منجر به نابودی انسانیت شان می شود، رویگردان هستند. بدون شک در قلب چنین افرادی ناامیدی جایگاهی ندارد و قدرت ایمان و امید به پیروزی در آن ریشه دوانیده است. در حقیقت اینگونه قلب ها با همتی والا برای نام؛ نه برای نان در حال تپش است:

«إِن قَطَعْتُ أَمْرِيكَ عَنَّا ضَوْءًا وَمَاءً / أَوْ مَنَعْتُ عَنِ النَّاسِ دَوَاءً / أَوْ حَرَمْتُهَا
الِهَاتِفَ أَوْ الْفَاكْسَ / فَسَنَصْنَعُ مِنْ لَهَبِ الْفَانُوسِ شُعَاعًا / لَا يَسْرِي فِيهِ الْيَأْسُ»
(الزهاوی، ۲۰۰۹ الف: ۸۸).

ترجمه ابیات: اگر آمریکا روشنایی و آب را از ما قطع کرد/ یا دارو را از بدن مردم منع کرد/ یا ما را از تلفن و فکس محروم کرد/ پس ما نیز از فتیله فانوس، پرتوی نور خواهیم ساخت/ که در آن هیچ گاه، ناامیدی رخنه نمی کند.

۲-۲-۳ - انتقاد از حاکمان مستبد عرب

انتقاد و اعتراض نسبت احداث و وقایع پیرامون کشور عراق و جهان عرب با شعر مقاومت زهاوی عجین شده است. شاعر با نگاه ریز بین خود به پدیده ها، در شعر خود به گونه ای تأکید می کند که «هیچ گاه زبان شعری اش از چیزی که قصد بیان آن را دارد، عاجز نمی ماند» (سرسم، ۲۰۱۰: www.mawtani.com).

قطعه شعری زیر، نمونه بارزی است که وی از محیط اطراف خود، زبان به اعتراض می‌گشاید:

«مَنْ أَيْنَ يَنْمُو فِي جَنَاحِيكَ الضِّيَاءُ / فَكَيْفَ يَبْدُو فِي أَغَانِينَا السَّلَامُ؟ وَهَذِهِ الْأَفْعَى إِسْتَطَالَتْ حَوْلَنَا / تَنْفَتْ رَغْوَةَ السُّمُومِ وَاللَّهَبِ / فَآه يَا مَدِينَتِي الْجَمِيلَةَ / تَتَنَفَّضِينَ مِثْلَمَا تَتَنَفَّضُ الْحَمَامَةُ الَّتِي تَبَلَّتْ أَسَى» (الزهاوی، ۱۹۸۲: ۱۷۹).

ترجمه ابیات: روشنایی‌ها از کجا در بال‌های تو (عراق)، نور به خود گیرند! چگونه در نعمه‌های ما صلح و دوستی نمایان شود؟ و حال آنکه این مارها پیرامون ما حلقه زدند/ و آتش و سم‌های درون خود را در جان ما می‌ریزند/ آه ای شهر زیبای من! از روی غم به خود می‌لرزی/ همانند کبوتر خیس شده‌ای که می‌لرزد.

زهاوی در ابیات بالا، «از قید‌هایی که امروزه در جامعه عراق به وسیله زمامداران مستبد، رایج شده و به واسطه قدرت شان همه چیز را به انحصار خود در آورده‌اند و مانع رشد کشور خود گردیده‌اند، زبان به شکوه می‌گشاید. آنچه شاعر را بیش از هر چیز دیگر رنج می‌دهد، این است که این حاکمان با شعارهای پر زرق و برق خویش، سعی در تحریف تعالیم اسلام را دارند و حال اینکه این رفتارها در جامعه اسلامی به طور کامل مردود شمرده شده و اسلام همواره بر عدالت بین افراد تأکید داشته و بر پایه آن رفتار کرده است» (البستانی، ۲۰۱۲: www.forum.kooora.com). کلمه «الضیاء» (نورها) را می‌توان نماد ارزش‌های والای انسانی در جهت رشد و شکوفایی و کلمه «الأفعی» (مار) را نیز، نماد انسان‌های مستبد و دارای ثروت و قدرت دانست.

آمل زهاوی، در قصیده «التداعیات» ضمن اینکه اندیشه بلند پروازانه ساخت یک امت واحد را در سر می‌پروراند، از حاکمان و زمامداران جهان عرب که به کشور خود خیانت کردند نیز، اینچنین انتقاد می‌کند:

«فَيَا أَيُّهَا الْفَارِسُ الْعَرَبِيُّ / عَدُوُّكَ مِنْ جَسَدِ اللَّيْلِ جَاءَ / وَأَنْتَ وَإِيَّاهُ فِي لُجَّةِ / يَحْكُمُ الْمَوْتُ فِي قَلْبِهَا الضَّرْبَةَ الْآخِرَةَ وَهِيَ أَنْتَ فِي لُجَّةِ الصَّمْتِ وَالْإِنْهَارِ! / لَدَيْهِ جَنَاحَانِ إِذَا مَا يَشَاءُ يَطِيرُ / يَكْرُؤُ.. يَفْرُؤُ.. وَيُقْبَلُ.. يُدْبِرُ» (الزهاوی، ۱۹۸۲: ۷۸).

ترجمه ابیات: ای شهسوار عربی/ دشمن تو از کالبد شب در صحنه حضور یافته/ در حالی که تو با او (دشمن) در تفریح و سرگرمی هستی/ سرانجام مرگ

در جوهر آن (بازی) ضربه آخرش را استحکام می بخشد و هان! اینک تو در ورطه سکوت و فروپاشی می باشی / دشمن تو صاحب بال‌های قدرتمند است که هر موقع بخواهد پرواز می کند / یورش می برد، فرار می کند و روی می آورد و گاهی پشت می کند (صاحب قدرت).

شاعر در قصیده فوق، با ظرافتی زیبا موقعیت زمامداران عرب را در برابر طاغوت‌های روزگار، به صحنه بازی شطرنج تشبیه می کند که در آن حریف (دشمن) ضربه نهایی را در دل زمامداران عرب کاشته و آنها را با کیش و مات، مهوت کرده است. زهاوی از باب استهزاء، حکام عرب را با نام «الفارس» فرا می خواند تا آنها گذشته درخشان خود را به یاد آورند و از خود پویایی نشان دهند.

۲-۲-۴ - اعلام انزجار از پدیده شوم جنگ

روح انسان دوست آمال زهاوی از جنگ گریزان است و از اینکه می بیند سرزمین مادریش عراق، اینگونه مورد هجوم دشمنان قرار گرفته و ابرهای تیره جنگ بر آن سایه افکنده، بسیار ناراحت است. شاعر در چکامه‌ای طولانی موسوم به «نجمه سومریه» ضمن بیان از بین رفتن تمدن تابناک عراق به وسیله این جنگ‌ها، آرزومند است که سپیده دمی طلوع کند تا اندکی از شعله فروزان این جنگ‌ها کاسته شود:

«الصوتُ یصمُّ الأذانُ / قنابلٌ عنقودیٌّ تترامی... / نرقبها عن بُعد بذهول / صاعقة... حارقة.. ماحقة / مارقة / تمرق فوق مناثرنا وتجول / یا ربّ متی سیضی الصبح / ما هذا الیوم الممضوط المسخوط / لو یتوقف عنّا مطر النار قلیلاً» (الزهاوی، ۲۰۰۹ ب: ۶۷).

ترجمه اییات: صدای دلخراش آلات جنگی، گوش‌ها را کرمی کند / مات و مهوت، بمب‌های خوشه‌ای را که به طرف یکدیگر پرتاب می‌شد، می‌نگریستیم / آذرخش... آتش افروزان ویرانگر / و فشنگ‌هایی که بر روی گلدسته‌های مادر جولان می‌باشد / پروردگارا! سپیده دم پایان جنگ چه زمانی طلوع خواهد کرد؟ / شگفتا از این روز کمرشکن نفرت شده / ای کاش اندکی باران آتش از ما متوقف می‌شد.

در باور زهاوی، جنگ پدیده‌ای شوم است که عاقبتی جز کشته شدن انسان‌های بی‌گناه را در بر ندارد. وی ویرانی‌های موجود را که امروز با چشم خود در سرزمینش شاهد آن است، حاصل جنگ و عوامل آن می‌داند. مویه‌های زهاوی بر مخروبه‌های حاصل از جنگ در وطن خویش، ما را یاد چکامه‌های عصر

جاهلی می‌اندازد که شاعران آن عهد از صمیم قلب بر اطلال‌های به‌جامانده از معشوقه‌های خود می‌گریستند. زهاوی در قصیده «مواجهه» از دیوان «آبار النقمة»، اینگونه نتایج حاصل از جنگ را در کشور خویش برای ما به تصویر می‌کشد:

«أىُّ عراق صرت؟ / أبصرُ فيك وهادأ / لا أعرُفها / هل أنى أفهمُك الآن؟ / أجسادٌ دونَ رؤوسٍ / ورؤوسٌ تبحثُ عن أجساد / هذه صورُتك الدائمة الأبعاد / أيد تتطير.. ودماءٌ تتفجرُ / أشلاءٌ تتبعثر.. / قل لي من أنت؟ / وكيف تكونت؟ / هل أنت عراق.. وعريق؟ / أم أنت عراقك؟ / وأديمك يحمل آلاف القتلى المجهولين...» (الزهاوی، ۲۰۰۹ الف: ۱۱).

ترجمه‌ایات: به کدامین عراق تبدیل گشتی؟ / در تو پستی‌هایی را می‌بینم که آنها را قبلاً نمی‌شناختم / آیا من اکنون تو را با وضع موجود خواهم شناخت / جسدهایی بدون سر / و سرهایی که در جست و جوی بدن‌های خود هستند / این چهره آغشته به خون توست ای عراق! / دست‌هایی که تگه تگه می‌شوند ... و خون‌هایی که خروشان هستند / پیکرهایی که بر روی زمین متلاشی است... / به من بگو تو کی هستی؟ / آیا تو همان عراق دیرینه هستی؟ / یا صحنه جنگ و کشمکش؟ / سطح زمین تو امروز هزاران شهید گمنام را در بر دارد...

زهاوی معتقد است که مسلمان بودن مردم عراق، امری مهم است که اشغالگران به آن، به عنوان مقوله‌ای خطرناک می‌نگرند و وجود این حقیقت باعث شده تا مزدوران جهانی چشم طمع بر این کشور دوخته و در نتیجه، عراق را به جولانگاه فتنه‌گران تبدیل کنند:

«وأتونا من بُعدٍ مُحيطات الدنيا / كى ينهالَ بنا هذا التوق / إلى وطن حرٍّ مقدام / كى يخبو فينا ضوءُ الدنيا / وتُضیعُ بنا روحُ الإسلام» (الزهاوی، ۲۰۰۹ ب: ۸۵).

۲-۲-۵- تعهد قومی

شعر مقاومت آمل زهاوی، به خاطر گرایش‌های بشر دوستانه و انعکاس فریاد ستمدیدگان سرتاسر جهان؛ علاوه بر جنبه‌های وطنی، ویژگی‌های قومی و فراملی را نیز دربردارد. زبان شعری وی، در چارچوب زمان و مکان خاصی نمی‌گنجد و بهره‌مند از جنبه‌های فرازمانی و فرامکانی می‌باشد. شعر آمل، نمونه‌شاخص و برجسته‌ای ادب‌پایداری است که باعث همدردی و مشارکت وی در مشکلات دیگر کشورهای

اسلامی می‌شود. زهاوی، علی‌رغم ترسیم وضعیت اسفناک کشور خویش، هیچ‌گاه از مشکلات و رنج‌های جهان عرب، غافل نشده است؛ به گونه‌ای که در شعر خویش همواره از دیگر ملت‌های عربی؛ مانند قدس، فلسطین، لبنان، مصر و... یاد می‌کند.

«زهاوی پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷م، که نتیجه آن شکست اعراب از اسرائیل شد، سکوت غرب را در برابر جنایات وحشیانه رژیم اشغالگر قدس، محکوم می‌کند و او را یک دشمن کینه‌توز گستاخ معرفی می‌کند که وجدان آن مرده است و تبدیل به صخره و سنگ‌های غیر قابل انعطاف پذیر شده است» (فتوح، ۲۰۰۷: www.albaath.news.sy):

«جراذُ الغربِ ما زالتْ مقادِمْهُ / تُدَنِّسُ حَقْلَنَا الضَّارِي / ضميرُ العالمِ المَجنونِ من صخرٍ وأحجارٍ / فيبكي العالمُ في جماجمنا / موات ضمائر المتحدِّثين دماً / ضميرُ الغربِ في الساحاتِ مسلوب» (الزهاوی، ۲۰۰۷: www.albaath.news.sy).

ترجمه اییات: ملخ‌های غرب/ همواره با حضورشان، زمین‌های بایر ما را آلوده می‌کنند/ وجدان گستاخ و بی‌پروای غرب از جنس صخره و سنگ است/ دنیا از شدت حزن این مصیبت در جمجمه‌های ما می‌گریزد/ وجدان‌هایی که دائم از خون سخن می‌گویند، مرده به‌شمار می‌آیند/ وجدان غرب در میادین به یغما برده شده است.

زهاوی همچنین نتوانسته از وقایعی که امروزه در کشور ادیب پرور مصر اتفاق می‌افتد، چشم‌پوشی کند. وی در قصیده‌ای با عنوان «مصر العزیزة تحترق» به بیان جنایت‌های دسیسه‌جویانی می‌پردازد که با اقدامات گستاخانه خود سعی دارند گذشته تابناک کشور مصر را که سرشار از کارنامه‌های درخشان علمی است از بین ببرند:

«وَأنا أرى / عندَ إشتباك الخلق / في هذا الزحام / مصرَ العزیزة تحترق / ينهالُ فی قلبی الظلامُ / رُغم المسافات البعيدة / كاد يخنقُنِي الدخانُ / وقد تلبسُ بالسُخام / والنار تلهمُ كلَّ ما تلقاه / لا تُبقى علی شیء / لا يقومُ لها نظام / لكن جوهرةُ المدينة تكتوی عبْر الصِّدام / هذی التواریخ العلیة بالعلوم / رهینةُ بیدِ النزق» (الزهاوی، ۲۰۱۱: www.sautalomal.org).

ترجمه اییات: هنگام درگیری مردم در انبوهی جمعیت (اشاره به تظاهرات خیابانی) / مصر عزیز را می‌بینم که در آتش می‌سوزد/ تیرگی در قلبم انباشته می‌شود/ علی‌رغم اینکه راه دور است/ اما دود این آتش نزدیک است که مرا

گلوگیر کند/ و این کشور به رنگ سیاه پوشیده می‌شود/ و آتش هر چه را بر سر راه خود ببیند، آن را در خود فرو می‌برد و بر روی هیچ چیز باقی نمی‌ماند/ دیگر برای مصر نظامی باقی نمانده/ قلب شهر در میان این غرش‌ها می‌سوزد/ این گذشته‌های سرشار از علوم در گرو دست‌های افراد بی‌هدف و یاغی است.

۲-۲-۶- ستایش انقلابیون و ستم ستیزان

شهید و فرهنگ شهادت، شاخصه ایست که دین اسلام برای آن ارج بزرگی در نظر گرفته است. از منظر اسلام، کسانی که در راه خدا جانفشانی می‌کنند و جان خود را از دست می‌دهند، نه تنها مرده نیستند؛ بلکه زندگانی هستند که در نزد خدای خود آرمیده‌اند؛ مانند این سخن خداوند: ﴿لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۹).

یکی از جلوه‌هایی که در شعر مقاومت آمال زهاوی به وفور دیده می‌شود، ستایش انقلابیون مبارز است. وی همواره، انقلابیون ملت‌ی که جان خود را فدای رسیدن به آزادی و ایجاد یک جامعه جدید منطبق با ارزش‌های اسلامی می‌کنند، می‌ستاید. این نوع از ستایش و تکریم در شعر زهاوی، تنها به کشور خویش محدود نمی‌شود؛ بلکه قهرمانان ملت‌های دیگر عرب را نیز در برمی‌گیرد. زهاوی در رثای مبارزان خیابان فردان در بیروت که به وسیله رژیم غاصب اسرائیل به خاطر مقاومت در برابر استبداد به درجه شهادت نائل شده‌اند، اینگونه می‌سراید:

«أُمَّةٌ رَضَعَتْ لُغَةَ الْمَوْتِ / يَصِيرُ هُنَا نَبَأُ الْمَوْتِ عَادَةً / فُجِعْنَا وَلَكِنَّا مَا جَزَعْنَا / فِيا مُدُنًا تَقْتَفِيهَا الْعَوَاصِفُ مِنْذُ الْبِدَايَةِ، وَاتَّخَذَتْ طَابِعَ / الْحَزَنِ قَبِيْعَةً كَالْمَسَاءِ / عَلَيْكَ صَلَاةُ الْهُوِيِّ / وَبِا مُدُنًا تَشْتَهِي الْخَلْقَ مُنْزَلِقًا فِي الْمَنِيَا / عَلَيْكَ صَلَاةُ الْهُوِيِّ» (الزهاوی، ۱۹۷۵: ۱۹).

ترجمه ابیات: این ملت‌ی است که کلمه مرگ را به سان شیر نوشیده/ در اینجا خبر مرگ عادی شده است/ امت عربی دچار مصیبت شده؛ لیکن بی‌تابی نمی‌کند/ ای شهرهایی که طوفان‌ها از گذشته تاکنون بر شما پیاپی وارد می‌شود/ نشان اندوه را همانند گذشته به‌سان کلاه بر سر گذاشتی/ نماز عشق بر شما باد/ ای شهرهایی که دوست دارید مردمتان با آغوش باز به سراغ مرگ بروند/ نماز عشق بر شما باد.

در ابیات بالا، شاعر بر حقیقت ملتی تأکید دارد که آن حقیقت، همان مرگ قهرمانانه است. این ملت، جهاد در راه آرمان های خویش را مقدس داشته و این امر در نزد آنان تبدیل به یک ارزش ملی شده است؛ علی رغم اینکه شهادت سلحشوران فلسطینی، یک فاجعه بزرگ به شمار می آید اما این ملت هرگز از اهداف متعالی خود دست نمی دارند. در اینجا «شاعر بر خود واجب می دارد تا بر شهرهایی که به خون این شهدا آغشته شدند و سرود زندگی را از خلال شهادت این شهادت طلبان می خوانند، نماز عشق بخواند» (العانی، ۲۰۰۵: ۲۳).

ستایش قهرمانان راه حق در شعر زهاوی، گاهی از زمان خود فراتر می رود و با تاریخ پیوند می خورد. این شاعر مقاومت، همچنان که دردمند زمان است، گذشته را نیز به خوبی به خاطر دارد و به خاطر مبارزه ای که در قلم و سخنش ظاهر می بیند، نوعی پیوند و تعلق خاطر را نیز بین خود و مبارزان انقلابی گذشته و اسوه های تاریخی؛ به ویژه الگوهایی که در تاریخ اسلام مطرح بوده اند، احساس می کند؛ از این رو با ستایش آنها را بازگو می کند و بدین ترتیب ادبیات مقاومت در شعر زهاوی، آگاهانه با تاریخ پیوند می خورد.

عباس علیه السلام، علی علیه السلام، صلاح الدین ایوبی، برخی از خلفای سلحشور عهد عباسی؛ از جمله شخصیت های انقلابی مبارز تاریخ هستند که در شعر زهاوی می توان آنها را یافت. وی در قصیده «جدران الزئبق»، با الهام از شخصیت عباس علیه السلام، او را سمبل مقاومت، ایثار، شجاعت و... می نامد که امروزه جهان عرب از عدم بهره مندی چنین سلحشورانی رنج می برد:

«یا عباس... یا نسر الشمس الفوارة / قلبی المشطور حوالیک یفت هواء / لو أنت اتیت بکف الماء / ساقیت به ظماً الاطفال العطشی» (الزهاوی، ۱۹۷۰: ۴۱).

ترجمه ابیات: ای عباس! ای باز خورشید جوشان! / قلب پاره من پیرامون تو بسیار کباب می شود / ای کاش تو یک مشت آب می آوردی / و من با آن کودکان تشنه لب امروز را سیراب می کردم.

می توان ایجاد حس پویایی برای مبارزان در مسیر ظلم ستیزی و عدالت خواهی و همچنین آشنایی نسل کنونی و آینده عراق با سلحشوران مبارز تاریخ را از اهداف زهاوی در بازتاب چنین شخصیت های تاریخی در شعر خویش دانست.

۲-۲-۲ - آرمان خواهی شاعر

از دیگر جلوه‌های مقاومت، تجلی مفاهیم آرمان‌خواهانه در شعر آمال زهاوی است؛ اگر چه دنیای اجتماعی انسان‌ها در شعر زهاوی با استبداد، فساد و از بین رفتن ارزش‌های اسلامی عجین شده و شاعر از این وضع اسفناک موجود، بسیار اندوهگین است؛ اما او آینده‌ای روشن را در سایه اسلام می‌بیند و هرگز به خود اجازه نمی‌دهد تا روزنه ناامیدی در روحیه انقلابی‌اش رخنه کند:

«لا تَضَعُوا الخطواتِ على هذا الشاطئِ / ابتعدُوا عن هذی الأرضِ المغمومة / لنْ تجدُوا فيها أیَّ أمانٍ / سُئِنَ الإسلامُ ستلتفَ علیکم» (الزهاوی، ۲۰۰۹ الف: ۲۳).

ترجمه ابیات: هرگز گام هایتان (اشغالگران) را بر روی کرانه این دریا (عراق) قرار ندهید/ از این سرزمین مین‌گذاری شده (آماده مقاومت) دور شوید/ که در این وطن هرگز امان نخواهید یافت/ زیرا ناوهای اسلام پیرامون شما را خواهند گرفت و شما را محاصره خواهند کرد.

آینده‌ای که آمال زهاوی آن را در سر می‌پروراند، رسیدن روزی است که سرزمین عراق از چنگال نیروهای اشغالگر رها شده و آن شکوهی که پایتخت جهان اسلام در سایه برخی از خلفای عباسی داشت و همچون خورشید تابناکی بین سایر ملل می‌درخشید. دوباره باز گردد؛ از این‌رو در شعرش همواره از آن تمدن یاد می‌کند:

«وأقولُ لها: أینَ قصورِ الخلدِ / أینَ أَمَاکنُ علمِ تَسْمُو فیها / یا قبلَةَ هذا العالمِ / غابتْ عبرَ غیاهبِ تلكَ النکبةِ / لمْ تُبقِ بها الأحداثُ سوی مدرسهٍ واحدةٍ / وقبورِ / فأینَ حضاراتِ بنی العباسِ / أینَ الدُّورِ .. وأینَ الناسِ» (الزهاوی، ۲۰۰۹ ب: ۶۳).

ترجمه ابیات: رو به وطن می‌کنم و از روی تعجب به او می‌گویم: کجاست آن کوشک‌های جاودان/ کجاست آن مکان‌هایی که در آن علم رشد می‌کرد/ ای قبله این جهان! که در میان تاریکی‌های آن فاجعه (ورود اشغالگران) پنهان شدی/ حوادث روزگار برای تو جز یک مدرسه و قبرهای زیاد، چیز دیگری برای تو باقی نگذاشت/ پس آن تمدن‌های بنی‌عباس کجایند! کجاست آن خانه‌ها و مردم!

زهاوی در پایان این قصیده بلند، به گونه ای بیان می کند که منتظر نیرویی از غیب است تا به یاری مردم عراق بیاید و آنها را برای رسیدن به تمدنی با شکوه همچون گذشته یاری کند و از این عقب ماندگی موجود برهاند:

«سقطت بغدادُ مضرجةً / سقطت حاضرة الدنيا / من یمسك خوذتها العباسیة؟ / وملابسها اللامعة الالوان / نحلّم أن نخلق منها دولتنا الكبرى / من ینصرها؟ / ويحمل عنها كبوتها؟» (همان: ۸۴).

ترجمه ابیات: بغداد آغشته به خون فرو افتاده / تمدن جهان واژگون شد / چه کسی حاضر است کلاه خود (نماد سلحشوری) / و جامه های درخشان (نماد هویت ملی) عباسی بغداد را به دست گیرد؟ / ما بنای یک دولت بزرگ را در سر می پرورانیم / چه کسی حاضر است که بغداد را یاری نماید؟ / و این مصیبت را از روی دوش آن بردارد؟

۳- نتیجه گیری

بدون شک وجود مشکلات فراوان در کشور عراق در زمینه های اجتماعی؛ مانند فقر و گرسنگی و فرهنگی؛ مانند از دست رفتن هویت ملی خود و سیاسی و... ادیبان این خطه را بر آن داشته تا مسائل کشور خویش را در آثار خود؛ چه در زمینه نظم و چه در زمینه نثر، منعکس کنند. آمال زهاوی، یکی از شاعران معاصر کشور عراق است که با سلاح قلم و شعر، راه مقاومت در برابر ظلم در پیش گرفته است. به نظر او جنگ از پدیده های شومی است که همیشه چهره بخشی از تاریخ را لکه دار کرده است. وی با الهام از دستورات اسلام و پافشاری بر مواضع آن، باور دارد که دفاع در برابر متجاوز امری ضروری است و اعتقاد دارد که هوشیاری ملت ها، همگامی سران سیاسی ممالک اسلامی با توده های مردم کشورشان، همدردی و مشارکت کشورهای اسلامی با همدیگر از عناصر تأثیرگذار و جهت دهنده مبارزات مردمی است؛ از این رو، وی با الهام گرفتن از قرآن مخصوصاً آیاتی که گویای شکست منافقین و پیروزی مسلمانان شده و با الگوپذیری از شخصیت های مسلمان که سمبل مقابله با ستم هستند و یاد آنها التیام بخش آلام مبارزان عرصه پایداری است، اندیشه های خود را به تصویر می کشد. آنچه شعر مقاومت زهاوی را از دیگر شاعران متمایز می کند، برجسته بودن امید

به آینده است که در اکثر اشعار او وجود دارد. وی با تکیه بر این عنصر روحیه سلحشوری و مقاومت را در کالبد هموطنان خود می‌دمد و آنها را به یاد گذشته درخشان خود می‌اندازد تا با مقایسه گذشته تابناک و واقعیت‌های امروز خود که تمام ارزش‌های والای انسانی در آن به یغما رفته، از خود پویایی نشان دهند و به سوی ایجاد تمدنی درخشان در آینده حرکت کنند.

یادداشت‌ها

- ۱- اصطلاح ادبیات مقاومت "Resistance Literature"، اصطلاحی است بسیار جدید و در گذشته چنین اصطلاحی معمول نبوده است. «برای نخستین بار نویسنده معاصر فلسطینی «غسان کفانی» نام مجموعه ای از شعرها و داستان های ادیبان معاصر فلسطینی را «ادبیات مقاومت فلسطین» گذاشت و بدین ترتیب، این اصطلاح در بین شاعران و نویسندگان عرب و بعد در جهان رایج شد» (ترابی، ۱۳۸۹: ۷).
- ۲- از موالید بصره و ادیب پرکار معاصر که در زمینه‌های مختلف ادبی از جمله: شعر (فصیح و عامیانه)، داستان و رمان فعالیت دارد. از دیوان‌های شعری وی به زبان فصیح: «هذا المساء لا يعرفني، حين يكون المفتاح أعمى، للمرايا شمسٌ مبلولة الأهداب، نافذة فلتت من جُدران البيت، من مذكرات طفل الحرب، حكايةٌ منغوليّة، البيتُ يمشی حافياً. وی هم اکنون در کشور لندن، اقامت دارد» (عبدالرزاق، ۲۰۱۰: ۱۵۱).
- ۳- سهام الجبار در بغداد متولد شد و دکترای نقد ادبی معاصر دارد. وی حدود ده سال عضو هیأت علمی در دانشگاه بغداد بود و در آن نقد ادبی تدریس می‌کرد. ایشان تعدادی مجموعه‌های شعری دارد مانند: «الشاعرة، قدیماً مثل هیاشیا، أجساد و همچنين كتاب نقدي به عنوان «الکتابية فی مدار النقد» دارد. ایشان از سال ۲۰۰۷م تاکنون در سوئد اقامت دارد» (جبار، ۲۰۱۰: ۹۷).
- ۴- بشری البستانی شاعر و ادیب معاصر عراق، در سال ۱۹۵۰ در شهر موصل دیده به جهان گشود. بستانی در حال حاضر استاد نقد و ادبیات معاصر دانشگاه موصل است. تاکنون در ایران، یک رساله دانشگاهی پیرامون اشعار این شاعر دردمند عراق به وسیله محسن غلامحسین کهوری، دانشجوی کارشناسی ارشد عربی دانشگاه اصفهان، تحت عنوان «مظاهر أدب المقاومة فی شعر بشری البستانی»، به رشته تحریر آمده است. از دیوان‌های شعری معروف او: «ما بعد الحزن، الأغنية والسکین، أنا والأسوار، زهر الحدائق، أقبل کفّ العراق، البحر یصطاد الضفاف، ما ترکته الريح، مکابدات الشجر، أندلسیات لجروح العراق، مخاطبات حواء، مواجع باء- عین، کتاب الوجد» (البستانی، ۲۰۱۲: ۶۴۵).

- ۵- از این آیه قرآن کریم الهام شده است: ﴿كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ﴾ (قمر: ۷).
- ۶- شاعر مقاومت معاصر عراق که در سماوه عراق متولد شد. وی در سال ۱۹۷۷م، در پی استبداد صدام حسین، عراق را ترک کرد و راهی استرالیا شد. از دیوان‌های مشهور وی: نقوش علی جذع نخلة، منادیل من حریر الکلمات، مسیحة من خرز الکلمات، زناقب بریة، تعالی لأبحث فیک عنی، بعیداً عنی قریباً منک، البكاء علی کنف الوطن، شاهدة قبر من رخام الکلمات، لماذا تأخرت دهرأ؟ (نظری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

فهرست منابع

الف - کتاب‌ها

۱. القرآن الکریم.
۲. البستانی، بشری. (۲۰۱۲م). «الاعمال الشعریة». بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر.
۳. ترابی، ضیاء الدین. (۱۳۸۹م). «آشنایی با ادبیات مقاومت جهان». تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. جبار، سهام. (۲۰۱۰م). «أجساد». قاهره: شمس للنشر والتوزیع.
۵. الخیاط، جلال. (۱۹۷۰م). «الشعر العراقي الحديث». بیروت: دار صادر.
۶. الزهاوی، آمال. (۱۹۷۰م). «الطارقون بحارالموت». بیروت: دارالعودة.
۷. _____ . (۱۹۷۴م). «دائرة فی الضوء - دائرة فی الظلمة». بغداد: وزارة الثقافة والاعلام.
۸. _____ . (۱۹۸۲م). «التداعیات». بغداد: منشورات آمال الزهاوی.
۹. _____ . (۲۰۰۹م الف). «آبار النعمة». دبی: مؤسسة شرق غرب للنشر.
۱۰. _____ . (۲۰۰۹م ب). «نجمة سومریة». لبنان: منشورات دار المسار، مطبعة نزه کرکی.
۱۱. السماوی، یحیی. (۲۰۰۶م). «نقوش علی جذع النخلة». التنفيذ والطباعة حسین علی جرادی.
۱۲. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹ش). «ادبیات دفاع مقدس». تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۳. شکری، غالی. (۱۳۶۶م). «ادب مقاومت». ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
۱۴. العانی، لؤی شهاب. (۲۰۰۵م). «المعذب فی الشعر العراقي ۱۹۵۸ - ۲۰۰۰». پایان نامه دکترا. دانشگاه بغداد: دانشکده ابن رشد.
۱۵. عبدالرزاق، وفاء. (۲۰۱۰م). «أدخل جسدی أدخلکم». استرالیا: مؤسسة المثقف العربی.
۱۶. عید، محمد صابر. (۲۰۰۲م). «الشعر العراقي الحديث قراءة ومختارات». عمان: أمانة عمان الكبرى.

۱۷. محمد الکرباسی، محمد صادق. (۱۹۹۹م). «معجم الشعراءالناظمین فی الحسین (ع)». الجزء الأول. لندن.
۱۸. المطبعی، حمید. (۱۹۹۵م). «موسوعة أعلام العراق فی القرن العشرين». الجزء الأول. بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
۱۹. «معجم الباطین للشعراء العرب المعاصرين». (۱۹۹۵م). المجلد ۸-۱. کویت: مؤسسة جائزة عبد العزيز سعود الباطین.
۲۰. محمدی روزبهانی، محبوبه. (۱۳۸۹ش). «قسم به نخل قسم به زیتون بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین». تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- ب- مقالات و مجلات**
۲۱. اعلم، حنا. (۱۳۸۵ش). «انگار این جنگ، جنگ علیه زنان عراقی بود». ترجمه فرناز یوسفی، روزنامه اعتماد ملی: شماره ۱۴۵، ص ۷.
- ج- منابع اینترنتی**
۲۲. البستانی، بشری. (۲۰۱۲م). «ملاحم الأئسی فی شعر آمل الزهاوی». سایت منتدیات کوووره، تاریخ ۵/۵/۲۰۱۲م. (آخرین بازنگری ۲۹/۴/۲۰۱۳).
- www.forum.kooora.com/f.aspx?t=۳۰۶۵۰۰۳۴
۲۳. الزهاوی، آمل. (۲۰۱۱م). «مصر العزیزة تحترق». سایت صوت العمال. (آخرین بازنگری ۵/۵/۲۰۱۲).
- www.sautalomal.org/index.php?option=com_content&view=article&id=6865:2012-01-03-13-02-52&catid=40:2010-04-09-05-58-27&Itemid=77
۲۴. سرسم، ذکری. «شاعر عراقی آمل الزهاوی از انتشار عقاید خویش بیم ندارد». مصاحبه در سایت موطنی عراق. توسط ذکری سرسم در بغداد. در تاریخ ۱۰/۱۰/۲۰۱۰م (آخرین بازنگری ۱۷/۱۰/۲۰۱۳).
- www.mawtani.com/cocoon/iii/xhtml/ar/features/iii/features/entertainment/2010/10/10/feature-04
۲۵. فتوح، عیسی. (۲۰۰۷م). «آمل الزهاوی الشاعرة الرمزية». جريدة البعث. العدد ۱۳۳۰۲. (آخرین بازنگری ۸/۳/۲۰۱۲).
- www.albaath.news.sy/user/?id=191&a=16797